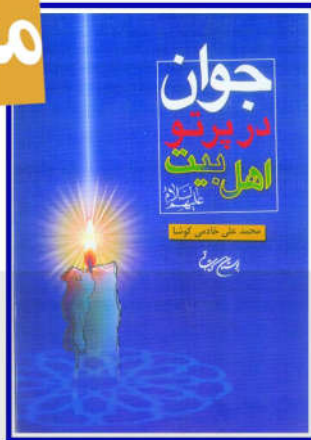


زهره دهخدا

معرفی کتاب



«و بحبکم و بقریبکم ارجو نجاه من الله»^(۱)
به بهانه معرفی کتاب «جوان در پرتو اهل بیت علیهم السلام»

نویسنده: محمدعلی خادمی کوشا
ناشر: مؤسسه بوستان کتاب قم
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۲
قیمت: ۲۰۰۰ تومان

«طغیان شهوت»، «خودباختگی» و ... می‌پردازد و آن‌ها را عامل بازدارنده جوان از رشد و تعالی و زمینه‌ساز سقوط وی معرفی می‌کند.

فصل چهارم: عوامل رشد جوان
«خودشناسی و معرفت»، «داشتن هدف و برنامه»، «تقویت عقل و اندیشه در گرو دین»، «بهره‌گیری صحیح از فرصت‌های جوانی» و ... به عنوان عوامل رشد جوان در این بخش مطرح و معرفی می‌شوند.

همچنین نویسنده، رشد عالی و متعالی انسان را با ارایه بسیاری از راه‌های کسب موفقیت و سعادت دنیا و آخرت از دیدگاه قرآن و ائمه(ع) بیان می‌کند.

فصل پنجم: حقوق جوان
جوان، عنصر فعال و حساس جامعه است. او به اقتضای عضویت در جامعه دارای حقوق و وظایفی می‌باشد و می‌تواند منشأ بسیاری از تحولات اجتماعی شود.
این بخش از کتاب حاضر به وظایف اولیای جوان جهت یاری رساندن به او و رعایت حق و حقوق ایشان از دیدگاه اسلام و معصومین پرداخته است.

سطوری ارزنده از کتاب حاضر را مرور می‌کنیم:

«تربوی عقل و اندیشه از عناصر مهم و عوامل محوری رشد و تعالی بشر است که در مورد جوانان اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که جوانان برای موفقیت آینده و شناخت عوامل پیش‌برنده، نیاز فراوان به بهره‌مندی از این موهبت الهی دارند».

اما جوانان عزیزی که در پی تقویت عقل و اندیشه‌اند، توجه داشته باشند که مهم‌ترین عامل اساسی، بهره‌گیری از دو عنصر دانش و تجربه است. امام علی(ع) می‌فرماید: «العقل غریزه تزید

بالعلم و التجارب»^(۲) (عقل نیرویی است که با دانش و تجربه تقویت می‌شود).

بهره‌گیری از سرگذشت دیگران و پی‌بردن به عامل افت و خیز انسان‌ها، بالاترین توشه راه ترقی و تقویت تجربه است. به فرموده امام علی(ع): «کسی که از سرگذشت دیگران عبرت

نگیرد، هیچ پشتیبانی برای خود نمی‌گیرد»^(۳)

پی‌نوشت‌ها:

۱. قسمتی از دعای توسل.
۲. سوره روم، آیه ۵۴.
۳. غررالحکم، ص ۵۳.
۴. همان، ص ۶۴۶.

دوره جوانی و نوجوانی به لحاظ ویژگی‌های انحصاری پراهمیت‌ترین و ظریف‌ترین دوران زندگی می‌باشد که درخشان‌ترین و زیباترین جلوه‌های عمر را به تجلی می‌گذارد.

این دوره از حیات انسان که دوره حیات عقلی و شکوفایی قوای نفسانی است، در فرهنگ غنی اسلامی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌باشد. اسلام مهم‌ترین و هموارترین راه‌های تجلی دینی و انسانی را به جوانان می‌آموزد و جوانان را در سایه اهل بیت(ع) حمایت و پشتیبانی می‌کند.

نویسنده محترم نیز به همین منظور به بیان این‌گونه روایات پرداخته و راه سعادت زندگی جوانان را در لایه‌لای انوار الهی و گفتار اهل بیت در پنج فصل نشان داده است.

فصل اول: اهمیت جوان و جوانی
جوانی، زمان قدرت و توانایی آدمی است. جوانی موهبتی است که پس از ضعف و ناتوانی کودکی برای انسان قرار داده شده است. قرآن این دوره را با عبارت «ثم جعل من بعد ضعف قوه»^(۱) بیان کرده است.

نویسنده در این بخش به بررسی جایگاه ارزشمند جوان در جوامع بشری و دین مبین اسلام پرداخته است.

فصل دوم: شناخت جوان
شناخت جوان و ویژگی‌های جوانی، برای بهره‌مندی هرچه بیش‌تر و بهتر و پرورش میوه‌های شیرین این دوران، یک ضرورت اساسی است.

مؤلف در اینجا ویژگی‌های روحی و تربیتی جوانان را از دیدگاه قرآن و حدیث مورد بررسی قرار داده است.

فصل سوم: افات جوانی و عوامل تباهی
در کنار شناخت از حالات و روحیات جوانان، باید به شناخت افات و عوامل تباهی دوره جوانی نیز جهت آفت زدایی توجه شود.

بخش حاضر به بیان عواملی هم‌چون «جهل و ناپختگی»، «فساد و تباهی»، «غرور و سستی»



مثل پروانه‌ها

طیبه رضوانی

قلم در دست گرفتیم، نامه‌ای برای تو بنویسم. می‌نویسم سلام ... با یک نگاه جوابم را می‌دهی؟! می‌پرسم احوال تو؟ و اینجاست که نمی‌دانم چه می‌گویی! شاید از روزهای دیگر بگویی که تو بودی و غربت علی(ع)، روزهایی که تو بودی و فراق پدر، تو بودی و کوچه و در و سیلی و صورت نیلی ...

می‌دانم این سیلی مغیره نبود که نیلی‌ات کرد، نه، عشق ولایت علی بود که نیلوفری‌ات کرد، عشق، باید از تو آموخت عشق را، گفتم عشق، می‌دانی هنوز مفهوم عشق و وفاداری تو پس از قرن‌ها باقی است و نام تو ...

هنوز پس از سال‌های سال دل‌های ما بیت‌الاحزانی است که نمی‌دانم می‌تواند وسعت حزن ناله‌های تو را در برگیرد و مرهم دل حسن و زینب شود؟!

می‌دانی هنوز پس از سال‌های سال روی ما از تصور روی نیلوفری تو کبود می‌شود؛ شانه‌هایمان زیر بار غربت می‌لرزد، بازوانمان ورم می‌کند و پهلوی داغدارمان می‌شکند. هنوز پس از سال‌های سال خاطره غسل شبانه تو ما را در اشک فرو می‌برد و غربت قبر پنهان تو آواره هر دیارمان می‌کند، خوب می‌دانی بانو!

ما را پای آمدن تا کوچه بنی‌هاشم نیست، که با نخستین قدم هوای غربت توان آمدن‌مان را می‌گیرد و نیم‌سوخته‌های فریاد مظلومیت تو وجودمان را به آتش می‌کشد. با این همه دل سوخته‌ام را همراه با دو سه حرف عاشقی می‌خواهم برای تو بفرستم. مبدأ نامه‌ام مشخص است، اما بگو به کدام مقصد بفرستم؟!

بگو نشانی چیست؟!